

## چاپ دوم مقاله‌های رشید یاسمی

انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار چاپ دوم کتاب «مقاله‌ها و رساله‌ها» اثر غلامرضا رشید یاسمی را به بازار عرضه کرد. برخی از موضوعات این مقاله‌ها عبارتند از: چستی علم تاریخ و نحوه نگارش آن، دو رساله به زبان پهلوی، نقد و بررسی آثار شاعرانی چون فردوسی، سعدی، نظامی، نسبت روشنفکران و ادبیات معاصر و تعلیم و تربیت در ایران، «تنبیح و انتقاد احوال و آثار سلمان ساوجی» نیز یکی از رساله‌های مفصل و مهم این مجموعه است.



## سفرنامه‌ای مردم‌شناسانه از پیاده‌روی اربعین

انتشارات نیستان «دل به عشقت مبتلا شد»، نوشته محمد آقاسی را منتشر کرد. این اثر سفرنامه‌ای مردم‌شناسانه با نگاهی پدیدارشناختی به موضوع پیاده‌روی اربعین است. کتاب سفرنامه‌ای از پیاده‌روی اربعین حسینی در سال ۱۳۹۶ است. آقاسی در متن این کتاب شرحی مختصر و خواندنی از سفر خود به کشور عراق بازگو کرده است؛ سفری که بیش از هر چیز نمایشی است از تسلیم و شوق و شگفتی موجود در این سفر و سرزمین.

دوشنبه‌ها در این صفحه  
از لذت‌های داستان خواندن  
و نوشتن می‌نویسیمماچرا  
ماجرای نساچ و ماهیان دجله

در ذکر «خیر نساچ» آمده که گاه‌گاه بافندگی می‌کرد و گاهی به لب دجله می‌رفت و ماهیان به او تقرب می‌جستند و چیزها برای او می‌آوردند. روزی کرباسی پیرزنی را می‌یافت. پیرزن گفت: «اگر من پول این کرباس را بیاورم و تو را نیایم، پول را به که بدهم؟» پاسخ داد: «در دجله بینداز.» پیرزن پول را آورد و

از تذکره‌الاولیا، تالیف عطار نیشابوری، با اندکی بازنویسی و ساده‌سازی

## پس از ماچرا

حلقه‌های مفقوده در بازار پر فروش‌های کتاب

## جای خالی سریال‌های کاغذی

کتابی مستقل کرد که خواننده از خواندنش به تنهایی لذت بسیار خواهد برد اما اگر پیشینه شخصیت‌ها و داستان‌هایشان را بدانند لذتش از داستان فراتر خواهد رفت. در ادبیات امروز دنیا، کتاب‌های سریالی در ژانرهای فانتزی، علمی، تخیلی، معمایی و ترسناک بسیار محبوب بودند اما کم‌کم به دنیای کتاب‌های عاشقانه، تاریخی و حتی ادبی هم راه پیدا کردند و در هر یک از این ژانرها بخشی از سرشناس‌ترین و پر فروش‌ترین عناوین را به خود اختصاص دادند تا جایی که شاید بتوان درآمد قابل توجهی از صنعت نشر کتاب دنیا را به این گونه کتاب‌ها مرتبط دانست که اغلب حتی تولید محصولات جانبی فراوانی را نیز به دنبال دارد که هواداران این آثار اغلب از داشتن‌شان نمی‌گذرند. آنچنان که هوادار یک تیم فوتبال ممکن است پیراهن، پرچم یا حتی حوله با نقش تیم مورد علاقه‌اش را بخرد و گوشه‌ای از اتاقش نگه دارد. گرچه هیچ‌گاه به کارش هم نیاید. کیست که نداند ارباب حلقه‌ها، هری پاتر، فرشتگان و شیاطین، شهر استخوان‌ها، برج تاریک (و دیگر آثار استیفن کینگ)، بازی تاج و تخت، دختری با نقش ازدها و... چه گردش مالی قابل توجهی برای آفرینندگانش (و حتی دیگران) رقم زده‌اند.

## اینجا چه خبر است؟

واقعیت آن است که صنعت نشر کتاب در ایران، به ویژه در حوزه آثار داخلی، از این بازار پر رونق بی‌بهره بوده است. نویسندگان ایرانی یا هنوز با آثار سریالی آنچنان آشنا نبوده یا همت نوشتن چند کتاب چند صد صفحه‌ای با شخصیت‌های ثابت و جهانی مشابه را نداشته‌اند. برخی خوانندگان ممکن است «آتش بدون دود» نادر ابراهیمی یا «کلیدر» محمود دولت‌آبادی را در رد

بخشی از محبوب‌ترین و پر فروش‌ترین کتاب‌های جهان در هر ژانر، کتاب‌های سریالی بوده‌اند. کتاب‌های سریالی، نه مجلدات پشت سر هم یک کتاب، بلکه کتاب‌هایی مستقل هستند که شخصیت‌ها و گاه زمان و مکان مشابه هم دارند، اما در هر کتاب داستان و اتفاقات تازه‌ای دنبال می‌شود به نحوی که خواننده می‌تواند هر یک از این کتاب‌ها را به صورت مستقل مطالعه کند اما اگر کتاب‌های قبلی را خوانده باشد با گذشته شخصیت‌ها و وقایع خاطراتی دارد که به غنی‌تر شدن تجربه‌اش در جهان داستان کمک می‌کند. بسیاری از این آثار به سینما و تلویزیون هم راه پیدا کرده‌اند که سرشناس‌ترین نمونه‌ها شاید ارباب حلقه‌ها و هری پاتر باشد. خوانندگان اهل سینما ممکن است ستارگان را نیز به یاد بیاورند اما جالب توجه است که در مورد این یکی، کتاب‌ها، کمیک‌ها و ... بعد از فیلم آفریده شدند.

در شکل کهن‌تر این الگوی ادبی، یک روایت قاب داریم که درون آن روایت‌های درونی برایمان تعریف می‌شود و هر کدام اینها می‌تواند موضوع کتابی شود. مثلا در روایت قاب هزار و یک شب، داستان شهرزاد را داریم که هر شب برای امیر قصه می‌خواند و بخشی از قصه را برای شب بعد نگه می‌دارد تا زنده بماند. قصه‌هایی که شهرزاد تعریف می‌کند، روایت درونی داستان است. در بخش پهلوانی شاهنامه شاید بتوان نبرد ایران و توران را روایت قاب فرض کرد که روایت‌هایی درونی همچون قصه بیژن و منیر، داستان سیاوش، داستان فرود سیاوش، نبرد کیخسرو و افراسیاب و ... را در خود جا داده که هر کدام را می‌توان



مسعود ریزر

روزنامه نگار

## مچاپی

## فولادزره

فولادزره نام یک دیو به صورت یک غریت بزرگ شاخدار در داستان امیر ارسلان نامدار است. امیر ارسلان نامدار یکی از داستان‌های تخیلی، بومی فارسی نوشته محمد علی نقیب الممالک در زمان قاجار است. نقیب الممالک احتمالا این نام را از یک نثر حماسی قدیمی‌تر فارسی به نام رموز حمزه گرفته است. در این داستان، فولادزره در هوا گشت می‌زند و زنان زیبا را نشان کرده و می‌دزد. این دیو در آغاز، سرکرده لشکر ملک خازن، شاه پریان و فرمانروای دشت زهر گیاه، بود. مادر فولادزره که جادوگری بسیار توانا بود تن و بدن فولادزره را به وسیله افسون و طلسمی، نسبت به همه سلاح‌ها آسیب‌ناپذیر ساخت و جز یک سلاح به نام شمشیر زمردنگار، در پایان داستان، فولادزره و مادر او به دست امیر ارسلان کشته می‌شوند.

## ایزراک

## جعبه ایزار فیلم‌نامه نویس

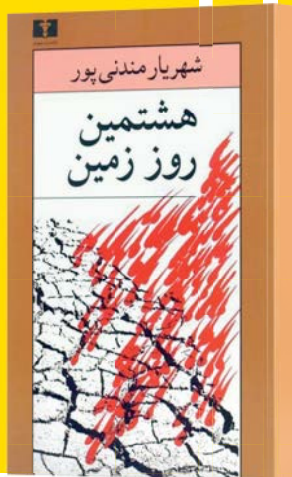
یک فیلم‌نامه استاندارد پیکربندی کنید! واقعیت این است که اگر داستان نویسی هستید که به کارتان به دیده حرفه‌ای می‌نگرید، از چنین ایزاری بی‌نیاز نخواهید بود. اگر به زحمات و برنامه‌ریزی برای داستان نوشتن اعتقاد دارید، این ایزار بار بزرگی از زوری دوستان برمی‌دارد و داستان ساختاری منسجم‌تر می‌یابد. از همه بهتر این که رایگان است و برای لینوکس، مک، ویندوز و حتی گوشی تلفن همراه‌تان، چه اندروید باشد و چه آیفون، می‌توانید نسخه مناسب را رایگان دریافت کنید.

## بریده

## مویه‌ای در باد

چهار زن سیاهپوش، تابوت بر دوش و بی‌بی قدم آویخته به کول دو زال دیگر، پشت سر آنها، از میدان گذشتند. هنگام راپشت سر گذاشتند و سینه به سینه باد غباری، در دل صحرای پشت حلقه سرایی فرو رفتند. سیاهی جامه‌هایشان برزمینه زمینی که آفتاب رنگش را پرانده بود، سکوتشان، پاهای فرتوتی که انگار بر خاک ساییده نمی‌شدند و بر هوا گام برمی‌داشتند، وهمی بود از آن برهوت پیرامون هنگام؛ ازلی و برای همیشه ظواهری عطشانش. کاروان در مسیری که روزی روزگاری، اسکندر و سربازانش به جست‌وجوی آب، همه سراب‌هایش را نوشیده بودند، آنقدر پیش رفت تا به بلورزار رسید. مویه‌ای در باد بود و باد، ملتهب در چادر و قیای زن‌ها می‌افتاد و صدایی دلشوره‌آور برمی‌انگیخت. سیاهپوشان خدیو را دوردورها دیدند که روی سنگی نشسته بود. تابوت را زمین گذاشتند و بی‌آن که پشت سرشان را نگاه کنند بازگشتند. خدیو، سراپا نمک زده، منتظر ماند تا صحرای پرهیب مواج آنها را در خود حل کند، آنگاه تابوت را بر کرده‌اش کشید و به اعماق نمکستان کشاند. آنجا، میان برق‌بارق جنوبی، گوری از پیش آماده ساخته بود...

از داستان «هنگام»، کتاب «هشتمین روز زمین»، شهریار مدنی پور، نشر نیلوفر



## کارگاه

## قیدهای گفت‌وگو را حذف کنید

حتما در کتاب‌های زیادی پیش آمده خواننده باشید شخصیتی با عصبانیت یا با خوشحالی یا حتی با لحنی مرموز سخن بگوید. واقعیت این است که هر نویسنده‌ای که کتاب چاپ می‌کند نویسنده خوبی نیست. قیدهای گفت‌وگو را حذف کنید. به جای آن که بنویسید «پیام با عصبانیت گفت» عصبانیت را در آهنگ کلام او و در خود کلماتش نشان دهید. به جای آن که بنویسید «هاله با خوشحالی این کلمات را جیغ کشید» جیغ شادی را در کلماتش به نمایش بگذارید یا حتی اجازه بدهید از

و «آب‌های بهاری» نام دارد با بیماری پسر یک خانواده آغاز می‌شود.

خواهر که در مواجهه با بیماری برادرش تنهاست به خیابان رفته و کمک می‌خواهد و اتفاقا یک توربست روسی برای کمک به خانواده وارد خانه می‌شود و این کمک همان و ماندن او در خانه برای مدتی طولانی همان!

ایوان تورگنیف، نویسنده این کتاب از مشهورترین و بهترین نویسندگان روسیه است که آثارش تاثیر زیادی بر نسلی از نویسندگان غربی گذاشت و داستان‌هایش در ذهن بسیاری از خوانندگان ماندگار شد. سه داستان این کتاب نیز از زیباترین و به یادماندنی‌ترین عاشقانه‌های ادبیات جهان است که ترجمه دقیق و استادانه عبدالحسین نوشین بر جذابیت آنها افزوده است. این سه داستان به‌طور مجزا نیز به چاپ رسیده‌اند.

چاپ سوم کتاب «سه داستان عاشقانه» نوشته ایوان تورگنیف با ترجمه عبدالحسین نوشین را انتشارات هیرمند در سال ۱۳۹۵ منتشر کرده که ۳۵۰ صفحه دارد و به قیمت ۱۸ هزار تومان به فروش می‌رسد.

## مطابق

## کتابی درباره عشق‌های نخستین

«سه داستان عاشقانه»

کتابی است درباره عشق‌های نخستین. هر سه داستان کتاب درباره کسانی است که اتفاقی وارد زندگی یک خانواده می‌شوند، دل به دختری می‌سپارند و نهایتا روزگار آنها و عشق نخستین‌شان را از هم جدا می‌کند و در زمان پیری آنها ماجراهای جوانی‌شان را برای مخاطب شرح می‌دهند. داستان اول با نام «آسیا»، هم‌نام دختری است که پسر روسی در سفرش به آلمان به او دل می‌بازد. او از زندگی عجیب دختر باخبر شده و به او ابراز علاقه می‌کند اما نمی‌داند که نهایتا بعد از چند روز عشق و شیدایی روزگار چه چیزی را برای او مقدر کرده. «نخستین عشق» نام داستان دوم کتاب است. این داستان از عشق پسر ۱۶ ساله‌ای به یکی از همسایه‌هایش می‌گوید، اما این عشق هم پایان نامنتظره دارد. داستان سوم که طولانی‌ترین داستان کتاب است